

An attitude on the role of the procedure of state associations in the Fars constitution

Abstract:

With the beginning of constitutional movement in the early 20 century, Fars estate and the city of Shiraz was the center of constitutional political changes in the south of Iran to the extent that it was considered the second state after Tehran that whose constitutionalist consisting of intellectuals, guilds, scholars and neighborhood chiefs started a general movement against domestic tyranny and favorable to constitutionalism, they sent their representatives to the first parliament .The formation of state associations in Shiraz which later took place by inviting Solat - ol - Doleh, Head of the Qashqai tribe and Seyed Abdol- Hessein Lari, influential cleric of the south to confront the Qavam family, intensified the peak of constitutionalism in Fars. According to this, this research is trying to answer this question that the leaders of constitutional of Shiraz were able to achieve the constitutional ideals? In response to this question, this hypothesis was suggested that internal contradictions of the members of the associations, lack of effective police force , the dependence of some of its members on the governor of Fars and personal purposes against the family of Qavam-Ol-Molk Shirazi didn't provide the necessary approaches for constitutionalism. Therefore, Fars state associations didn't cultivate a favorable environment for the growth of constitutional ideas such as law, equality and establishment of justice hom.

Key words: Fars, constitutionalism, state associations, scholars, the tribal chiefs

نگرشی بر نقش رویه‌های انجمن‌های ایالتی در مشروطه فارس

ابوالحسن نجف زاده^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹
 نعمت احمدی نسب^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰
 علی بیگدلی^۳

چکیده:

با شروع جنبش مشروطیت در اوایل قرن بیستم، شهر شیراز کانون تحولات سیاسی مشروطه در جنوب ایران بود تا جایی که پس از تهران دومین ایالتی قلمداد گردید که مشروطه‌خواهان آن متشکل از روشنفکران، اصناف، علما و روسای محله‌ها با گردآوری توده‌های مردم حرکت عمومی را بر ضد استبداد داخلی آغاز کردند و همسو با اندیشه‌های مشروطه‌خواهی، نمایندگان خویش را روانه مجلس اول نمودند. تشکیل انجمن‌های ایالتی در شیراز که بعدها با دعوت از صولت‌الدوله رئیس ایل قشقایی و سید لاری، روحانی منتقد جنوب برای مقابله با خاندان قوام‌الملک شیرازی صورت گرفت، نقطه اوج مشروطه‌خواهی در فارس را به منصفه ظهور رسانید. بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش بوده که

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 babak.atabakifar@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
 nematahmadi@gmail.com

^۳ استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 alibigdeli.hist@yahoo.com

روسای مشروطه‌خواه شیراز تا چه اندازه توانستند به آرمان‌های مشروطه‌خواهی دست یابند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح گردید که اختلافات داخلی اعضای انجمن‌ها، عدم نیروی نظامی مؤثر و وابستگی برخی از اعضای آن به والیان فارس، رویکردهای لازم را برای تفکرات مشروطه‌خواهی در این ایالت فراهم نیاورد. در نتیجه انجمن‌های ایالتی فارس زمینه مساعدی برای رشد رهیافت‌های مشروطه همچون قانون، مساوات و تأسیس عدالت‌خانه را در دامان خود پرورش ندادند.

واژگان کلیدی: فارس، مشروطیت، انجمن‌های ایالتی، علما، خوانین فارس

۱. مقدمه و بیان مساله

جنبش مشروطیت آغاز حرکت روشن‌فکران بر علیه حکومت قاجار در راستای دگرگونی‌های عمیق در جامعه ایران بود. این جنبش بر اثر کوشش‌ها و تدابیری جهت محدود نمودن نظام سلطنت و در پی آن نهادینه نمودن مؤلف‌هایی چون برابری‌های اجتماعی، تاسیس عدالت‌خانه و مجلس شورای ملی و همچنین حاکمیت قانون بوجود آمد که هدف آن تغییر نظام سیاسی کشور از «سلطنت مطلقه» به «پادشاهی مشروطه» بود. فراگیری این جنبش ریشه در عوامل گسترده‌ای داشت که برای نخستین بار پایه‌های مورثی سلطنت قاجار را به لرزه در آورد: عقد قراردادهای استعماری و ننگین گلستان، ترکمنچای و جدایی هرات از ایران، که با شکست شاهان قاجار و نفوذ دولت‌های بیگانه از پیکره میهن جدا گردید، نارضایتی فراگیر عمومی را در بر داشت. افزون بر این واگذاری امتیازات تجاری به بیگانگان و تعدی و سخت‌گیری‌های مالیاتی حاکمان قاجار، بحران اقتصادی و فقر شدیدی در جامعه ایرانی بوجود آورد که با انتشار روزنامه‌ها و آثار انتقادی مبنی بر بی‌کفایتی شاهان قاجار و تلاش‌های روشنفکران جهت آگاهی سیاسی توده‌های مردم، اساس جنبش مشروطیت پی‌ریزی نمود. این جنبش از سال ۱۳۲۳ قمری/۱۲۸۴ خورشیدی با فراگیری اعتراضات همگانی آغاز گردید و تا پایان سلطنت محمدعلی‌شاه در سال ۱۳۲۷ قمری/۱۲۸۸ خورشیدی ادامه یافت. اما در ایالت فارس ریشه شکل‌گیری این جنبش‌ها همان سخت‌گیری مالیاتی و افزایش خالصجات دولتی بود که از سوی والیان یا فرمانفرمایان قاجاری اعمال می‌گردید. پژوهش حاضر نخست در تلاش است تا با بهره‌گیری از روند تحولات تاریخی فارس به ذکر این مفهوم بپردازد که تشدید و سخت‌گیری مالیاتی بر مردم، زمینه ظهور قشری از روشنفکران، بازرگانان ترقی‌خواه، روسای محلات حامی مردم و روحانیون مبارز را پدید آورد که در آینده رهبری جنبش‌های مشروطه‌خواهی را برعهده گرفتند. در وهله دوم اشاره به این دارد که با گسترش اندیشه‌های آزادی‌خواهی، استقرار قانون و تاسیس عدالت‌خانه بتدریج تفکر ایجاد انجمن‌های ایالتی و ولایتی نمودار گردید که روسای مشروطه‌خواه توانستند رهبری این انجمن‌ها را با بدست آوردن «پایگاه قانونی در میان توده‌های مردم» از آن خویش نمایند. در این میان چند فرضیه را می‌توان عنوان نمود: نابسامانی اجتماعی در

مشارکت مردم شیراز در جنبش مشروطه نقش وسیعی داشت و دیگر اینکه ایجاد انجمن‌های ایالتی موجب افزایش مشارکت مردمی در بحبویه مشروطه فارس گردید. اما پرسش اصلی این پژوهش اینست که چرا انجمن‌های ایالتی فارس در طول دوره مشروطیت با ناکامی روبرو گردیدند؟ دلیل آن ناتوانی کنترل منظومه قدرت و اختلافات داخلی میان اعضای این انجمن‌ها بود که هر یک سعی داشتند با بهره‌گیری از قدرت ایل قشقایی، نیروی مذهبی سیدلاری و همگامی با شاهزادگانی چون ظل-السلطان به مقابله با خاندان قوام و نظام سلطنتی قاجار پردازند و این در حالی بود که متحدان آنها تنها به منافع خویش می‌اندیشیدند و تفکرات مشروطه‌خواهی برایشان اهمیت چندانی نداشت. این تلاش‌های پنهان و متضاد متحدان که در راستای اهداف خویشتن گام بر می‌داشتند ساختار سیاسی یکپارچه و اندیشه‌های متمرکز انجمن‌های ایالتی فارس را به تحلیل بُرد و از سوی دیگر کوشش بیهوده این انجمن‌ها که صرفاً درصدد کینه‌توزی و مقابله با خاندان قوام‌الملک بود آنها را از آرمان‌های آزادی-خواهانه و اندیشه‌های شکل‌گیری دولت-ملت به دور نگه داشت و آنها نتوانستند سهم چندانی در بازنگری سلطنت مطلقه قاجاری بوجود آورند.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر در اینست که تاکنون تحقیق موردی و موشکافانه‌ای درباره‌ی عملکرد و دستاوردهای انجمن‌های ایالتی فارس در دوره مشروطه صورت نگرفته است. به همین جهت در این پژوهش با رویکردی جدید و خلاقانه به این موضوع نگریسته شده تا زوایای روشنی از عملکرد انجمن‌های ایالتی فارس بازگو گردد. با وجود آنکه در دوره مشروطه، رؤسای انجمن‌های ایالتی فارس به عنوان نخستین نهادهای مدنی، تلاش‌های گسترده‌ای را برای مشارکت مردم بر علیه استبداد آغاز نمودند و در این راستا از پشتیبانی قوای ایلی و مذهبی نیز برخوردار گردیدند، اما اقدامات هیجانی و کینه‌توزانه ایشان، نه تنها فرصت نهادینه نمودن آرمان‌های مشروطه‌خواهی همچون برابری، قانون و برچیدن استبداد را از میان بُرد بلکه باز تولید آنها در شیراز، سلطه دگرباره ریاست خاندان فئودال قوام‌الملک و استبداد محمدعلی شاهی بر پهنه مملکت فارس بود. بنابراین چالش‌هایی چون اختلافات میان اعضای انجمن‌ها، گرایش‌های متنوع سیاسی میان روسای انجمن‌ها در قالب وابستگی به ایل

قشقایی، سید لاری و فرمانفرمای فارس که هریک اهداف خویش را دنبال می‌کردند و تضادهای محلی بدون انگیزه‌های آزادی‌خواهی، از جمله ضرورت‌های این پژوهش است که اهمیت و درک بخشی از تحولات مشروطه‌خواهی در فارس را فراهم می‌سازد.

۳. تعریف مفاهیم

انجمن ایالتی و ولایتی: شکل‌گیری و تحرک گروهی منظم و مداوم که عهده‌دار وظیفه نمایندگی بخشی از کشور یا شهر معینی بودند و به انجمن‌های ایالتی و ولایتی تقسیم می‌شدند و کارکرد آنها در مفاهیم سیاسی، فرهنگی، معنوی، زنان و..... نمو پیدا می‌کرد. این انجمن‌ها نقش چشمگیری در حیات سیاسی و اجتماعی دوره مشروطه ایفا کردند.

مشروطه: مجموعه قوانین اساسی بر مبنای نظام پارلمانی که بنیاد و اساس یک حکومت از آن وام گرفته شده باشد. این قوانین باعث دگرگونی و اصلاحات ساختاری در یک جامعه می‌گردد.

۴. پیشینه تحقیق

درباره مشروطیت فارس و حواشی آن تا کنون آثار و پژوهش‌های محدودی انتشار یافته است. از جمله این آثار «تحفه نیر» اثر عبدالرسول نیر شیرازی و «خاطرات پیر روشن ضمیر» نوشته محمدحسین استخر هستند که از نخستین منابع دست اول مشروطیت فارس به شمار می‌روند زیرا که ایشان خود در بطن جریانات مشروطه شیراز بوده‌اند. شیوه نگارش این کتاب‌ها به شکل روایی و انعکاس دهنده سیمای سیاسی- اجتماعی ایالت فارس در قرن بیستم است که دست‌مایه غنی برای پژوهش‌های مشروطه فارس به شمار می‌روند. از منابع دست اول دیگر می‌توان از کتاب «نهضت آزادی‌خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت» اثر جهانگیر قائم‌مقامی نام برد که مجموعه ۳۸۹ تلگراف (در زمان حکمرانی غلامحسین غقاری بر ایالت فارس) را بر می‌گیرد و در خلال این اسناد به آگاهی گسترده درباره ظلم و ستم، رشوه‌گیری و سخت‌گیری‌های مالیاتی عمال حکومتی.... بر می‌خوریم. مقاله «فارس و جنبش مشروطه‌خواهی» نوشته محمدباقر وثوقی بیشتر به سیر رویدادها و تحلیل حوادث

تاریخی و همچنین نقش روحانیون مبارز بویژه سید لاری در رویدادهای مشروطه فارس پرداخته است. کتاب «مشروطیت فارس» اثر منصور نصیری طیبی و «فارس در انقلاب مشروطیت» نوشته مسعود شفیعی سروستانی نیز از جمله آثار نوینی هستند که طیفی وسیعی از اسناد و مدارک این دوره را در رابطه با نقش ایلات و عناصر مبارز مشروطه خواه به تصویر کشیده‌اند. محمدعلی رنجبر نیز به «جنبش مشروطه خواهی فارس» ذیل مقاله‌ای پرداخته که با معرفی اسناد کمتر شناخته شده سعی در پیشگامی مشروطه خواهان فارس در روند تاریخی دوره مشروطیت دارد. اما در هیچ کدام از نوشته‌های یاد شده به طور اخص به نقش و عملکرد انجمن‌های ایالتی در درون جنبش مشروطه خواهی فارس نپرداختند. به همین خاطر در مقاله حاضر کوشش شده تا تأثیر انجمن‌های ایالتی فارس را به عنوان اولین نهادهای مدنی که نقش گسترده‌ای در مشارکت مردمی داشتند مورد واکاوی قرار دهد و دلایل ضعف و ناکامی آنها را در طول دوره مشروطیت تحلیل و بررسی نماید.

۵. فارس در آستانه جنبش مشروطه خواهی

ایالت فارس در فاصله انتصاب شاهزاده جلال الدوله در سال ۱۲۹۸ قمری/۱۲۶۰ خورشیدی تا آغاز حکمرانی شاهزاده شعاع‌السطنه در سال ۱۳۱۸ قمری/۱۲۷۹ خورشیدی در اوج آشفتگی و بحران بسر می‌برد. حضور اغلب شاهزادگان جوان و بی‌تجربه که در اندیشه جمع‌آوری ثروت خویش بودند و از هر گونه ستم نسبت به مردم و اصناف روی گردانی نمی‌کردند منجر به خیزش طبقات مختلف جامعه شهری در این بُرهه گردید (Davis, 1987: 125-153). از جمله این شاهزادگان، شعاع‌السطنه فرزند مظفرالدین شاه قاجار بود که به محض ورود به شیراز، سعی در گردآوری ثروت و گرفتن مالیات از اصناف و مردم نمود (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۶۳۷-۶۳۵). در شرایطی که شهر تهران با بهار

سال ۱۳۲۲ قمری/۱۲۸۳ خورشیدی بخاطر رفتار توهین آمیز که از سوی «نوز بلژیگی» در التهاب بسر می بُرد (آوری، ۱۳۷۳: ۲۳۱)، در شیراز و برخی از شهرهای فارس نیز دامنه شورش علیه شعاع‌السلطنه و کارگزاران او افزایش یافت. شعاع‌السلطنه از بدو ورود از هیچ گونه ظلم و تعدی نسبت به مردم دریغ نمی‌ورزید. املاک آنها را به بهانه خالصجات دولتی ضبط و مصادر می‌نمود. حکام محلی نیز به دستور شاهزاده شعاع‌السلطنه با همین طرفند «خالصجات دولتی»، املاک مرغوبی را دست مالکین خرده‌پای فارس در آوردند و مصادره نمودند و این در حالی بود که هرگونه خودداری از دادن املاک و اعتراض نسبت به مأموران حکومتی با سرکوب شدید مواجه می‌گردید (Floor, 1971: 254-263). با ادامه این روند بسیاری از مردم در تلگرافخانه شیراز، ساختمان کنسول انگلیس و صحن شاه‌چراغ به بست نشستند و با فرستادن تلگراف‌های خواستار رسیدگی به این اوضاع نابسامان شدند. در پی تشدید تحصن، بازار شیراز به حالت تعلیق درآمد و برخی از معترضین سلاح بدست گرفته، ارگ حکومتی و خانه‌های چندین تن از وابستگان شعاع‌السلطنه را در محاصره گرفتند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۹: ۲۹). در نتیجه شاهزاده شعاع‌السلطنه به دستور مظفرالدین‌شاه و بهانه معالجه به اروپا بدون اینکه رسماً از حکمرانی فارس استعفا داده باشد، شیراز را به قصد تهران ترک کرد (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱). اما ادامه سرکوب و کشتار مردم بوسیله نایب‌الحکومه (سردار اکرم) باعث اتحاد و انسجام طبقات مختلف مردم و تحصن در شاه‌چراغ گردید. با راهی شدن غلامحسین غفاری (وزیر مخصوص)، از پایتخت روزنامه مظفری گزارش می‌دهد که رهبران جنبش با انتصاب او موافق و

خواهان تعجیل او در رسیدن به شیراز و حاکمیت او هستند(روزنامه مظفری، ش ۲۵، اذی الحججه ۱۳۲۳: ۸). بررسی وزیر در همان روزهای نخست حکایت از فساد سیستماتیک اداری داشت که خود شاهزاده با گرونگیری دکان‌های مردم در محله بازار وکیل، بدان دامن زده بود(ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۱: ۴۰). او همچنین در تلگراف‌ها و نامه‌های متعدد از ظلم و ستم و تصرف املاک مردم بوسیله کارگزاران دولتی و نابسامانی افواج و امور لشکر فارس و چگونگی گرفتن رشوه و انواع سوءاستفاده‌های مأموران دولتی و حتی فقر و بدبختی سربازان سخن به میان آورده و گوشزد کرده که این عوامل باعث شورش توده‌های مردم گردیده است(قائم-مقامی، ۱۳۵۹: ۳۰).

همزمان با ورود علاءالدوله به شیراز به عنوان حکمران جدید فارس، اعتراضات همگانی در پایتخت و شهرهای دیگر طی دو ماه، منجر به صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه در تاریخ ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری/ ۱۴ مردادماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی گردید(هدایت، ۱۳۳۹: ۱۷۳). در پی فرمان مشروطیت، علاءالدوله برای حفظ آرامش فارس و جلب نظر مردم فارس، فرمانی از سوی شاه مبنی بر اینکه بناهای بازار وکیل همچون گذشته به مالکان‌شان تعلق دارد بازگو نمود. «محمد رضاخان قوام‌الملک» که نیاکانش چندین نسل به عنوان کلانتر و بیگلربیگی شیراز شناخته می‌شدند و در مواجهه با اقدامات شعاع‌السلطنه به تهران تبعید شده بود، همین که بازار مشروطه را گرم دید نامه‌ی محرمانه از تهران به دو پسر خود(حبیب-الله‌خان و محمدعلی‌خان نصرالدوله) در شیراز نوشت که با مشروطه‌خواهان همصدا

شوید که فعلاً صلاح در این است. به همین خاطر پسران قوام با سران مشروطه خواه شیراز همگام شدند و اولین جشن مشروطیت را در صحن شاهچراغ برپا کردند (استخر، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲). مظفرالدین شاه پس از امضای فرمان مشروطیت در ۱۸ ذی القعدة ۱۳۲۴/۲۱ دی ۱۲۸۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست و به جای او محمدعلی شاه بر اریکه سلطنت تکیه زد. بی گمان تمایل نخستین محمدعلی شاه به مشروطه خواهان صرفاً یک بازی سیاسی و برای کنار زدن عین الدوله صدر اعظم وقت و کاهش قدرت او بود. محمدعلی شاه از همان روز نخست که تاج گذاری کرد اعتنایی به وکلای مجلس ننمود و چندی بعد به دلیل خوی مستبدش به حکام همه شهرها دستور مخالفت با مشروطه را صادر کرد و با دادن شعار «مشروع» سعی داشت قانون اساسی را پس بگیرد یا آنرا بی اعتبار سازد.

۶. شکل گیری انجمن های ایالتی در مواجهه با خوانین فارس

بر اساس تقسیم بندی و نظام اداری دوره قاجار سرزمین های «آذربایجان»، «خراسان»، «فارس» و «کرمان و بلوچستان» ایالات چهارگانه کشور محسوب می شدند و ده ها ولایت کوچک و بزرگ نیز در کنار این تقسیم بندی جای داده شده بود. شکل گیری انجمن های ایالتی و ولایتی از نخستین تشکلهای سیاسی-مدنی مردم نهاد و رسمی جامعه ایرانی در آستانه جنبش مشروطیت (۱۳۲۴ قمری/۱۲۸۵ خورشیدی) بود که نقش مهمی در شکل گیری و گسترش تدریجی مشارکت سیاسی و مدنی توده های مردم ایفا کردند. این انجمن ها

همزمان با آغاز جنبش مشروطیت نخست در ایالت آذربایجان و شهر تبریز و سپس به شکل گسترده (در طی شش سال) در ایالت‌های دیگر شروع به فعالیت نمودند که گاه با حکام ایالت و خاندان‌های فئودال در کشاکش و تنازع بودند. اندیشه انجمن یا اتحادیه، در اصل ناشی از اصل آزادی اجتماعی در نظام پارلمانی کشور بود و بیشتر آنها بعدها در «انجمن مرکزی» و «انجمن سیار» نماینده رسمی داشتند. از جمله کارنامه موفق فعالیت این انجمن‌ها، پشتیبانی و هماهنگی مردم در شورش علیه حکومت مرکزی و همچنین ایجاد گردهمایی علیه عمال حکومتی در ایالت‌ها بود. اما ایالت فارس در آخرین ماه‌های سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ خورشیدی و در هماهنگی با دیگر مشروطه‌خواهان تهران و آذربایجان، گام‌های نوین و اساسی را در تشکیل نهادهای اجتماعی آغاز نمود. مشروطه‌خواهان فارس از طبقات مختلفی از جمله روشنفکران اصلاح‌طلب، تجار و بازرگانان ثروتمند، برخی از مجاهدین و خوانین و همچنین علمای دینی و افراد متوسط شهرنشین تشکیل یافته بودند و مدام با سران مشروطه تهران و تبریز در ارتباط بودند. نخستین اقدام ارزشمند مشروطه‌خواهان شیراز انتخاب نمایندگان مجلس بنام‌های «امین‌التجار شیرازی»، «ابوالحسن خان بانکی»، «سیدفخرالدین فخرالسادت»، «محمدحسن ثقه‌الاسلام»، «حبیب‌الله قوام‌دیوان»، «شیخ-یوسف حدائق» و «میرزا محمدعلی خان» و فرستادن اعضای آن به عنوان نمایندگان اصناف و مردم به مجلس بود. با پایان یافتن انتخابات فارس در سال ۱۳۲۴قمری/۱۲۸۵ خورشیدی، تنها نماینده شیراز که در مجلس شورای ملی حضور یافت، میرزا ابوالحسن خان شیرازی (بانکی) بود که در تهران حضور داشت و

انتخاب وی به نمایندگی را طی تلگرافی به او اطلاع دادند و از جمله کسانی بود که از همان روزهای نخست گشایش مجلس شورای ملی در جلسات آن شرکت کرد. از قرار معلوم و آنچه آن که سیدضیاء عنوان کرده قوام‌الملک شیرازی به عنوان نایب-الحکومه فارس با کارشکنی مانع از حرکت دیگر نمایندگان به سوی تهران - گردید (روزنامه ندای اسلام، ۱۳۲۴: شماره ۷). این امر باعث اعتراض گسترده مردم و مشروطه‌خواهان گردید و آن‌ها با فرستادن تلگراف‌های متعدد ناخرسندی و اعتراض خود را به نمایندگان مجلس شورای ملی تقدیم نمودند (ایوانف، ۱۳۹۶: ۲۴۹).

اقدام دیگر مشروطه‌خواهان تشکیل انجمن‌های سیاسی - اجتماعی متفاوت در سراسر کشور و شهر شیراز به فرمان مجلس شورای ملی بود. در شیراز مشهورترین این انجمن‌ها، «انجمن ایالتی» بود که از همان اوایل دوره مشروطیت با افرادی محدود در خانه «مهدب‌الدوله فسایی» (فرزند میرزا حسن فسایی مولف فارسنامه ناصری) تشکیل گردید و دیگری «انجمن اسلامی» که خود را طرفدار سرسخت مشروطه قلمداد می‌کرد و به شکل سیار در هر گوشه و یا نقطه‌ی از شهر برپا می‌گردید و اهداف خود را پیشبرد مشروطه و همچنین مبارزه آشکارا با خاندان قوام‌الملک عنوان می‌کرد. ریاست این انجمن بر عهده «میرزا حسن خان معتمد دیوان کواری» بود. بعدها که بنیاد مشروطیت تشکیلات اساسی به خود گرفت اعضای این انجمن در «حزب دمکرات فارس» و «حزب اعتدال» قامت برافراشتند (استخر، ۱۳۸۷: ۲۳). «انجمن انصار» دیگر انجمنی بود که ریاست آن را «حاج علی آقا» از مشروطه‌خواهان مبارز و سرسخت لاری

برعهده داشت و با پیشنهاد سیدلاری روحانی منتفذ جنوب تشکیل یافت. از دیگر انجمن‌ها می‌توان به «انجمن جنوب» اشاره کرد که در خانه «حاج‌نائب-الصدرشیرازی» برپا گردید. افزون بر این انجمن‌های مشروطه‌خواه دیگری چون- «اخوت»، «تعصب»، «محمدی» و «تجارت» بتدریج در شیراز شکل گرفت و شیرازی-های مقیم تهران نیز انجمنی بنام «اتحادیه فارس» را در پایتخت راه‌اندازی نمودند. روسای این انجمن‌ها اغلب از تجار ترقی‌خواه، علمای مبارز، سران محلات (حیدری و نعمتی) و روشنفکران مشروطه‌خواه برگزیده می‌شدند.

رویدادهای تاریخ فارس نشان می‌دهد که از صدور فرمان مشروطیت تا فتح تهران، فارس آبستن حوادثی گردید که گاه و بی‌گاه دو گروه مشروط‌خواه و دیگری طرفداران قوام‌الملک این ایالت را به چالش می‌کشیدند. دامنه فعالیت انجمن‌های ایالتی در فارس زمانی رو به فزونی یافت که قوام‌الملک از تبعید به شیراز بازگشت و در پی استحکام موقعیت سیاسی‌اش توانست با کمک دوستان خود در تهران (بویژه محمدعلی میرزا)، نایب‌الحکومه ایالت فارس را تا رسیدن حاکم جدید (مویدالدوله) بر عهده بگیرد. در این بُرهه کوتاه، قوام‌الملک سعی تمام نمود تا دامنه اقتدار خود و خاندانش در فارس را توسعه بخشد. این رویداد نخستین بهانه و صف‌آرایی جدی مشروطه‌خواهان در برابر قوام پس از ورود تازه او به شیراز بود. اما اولین ظهور انقلاب مشروطیت فارس و شیراز که به صورت آشکارا و ازدحام عمومی درآمد، تحصن جمعیت انجمن‌های ایالتی، عده‌ی علمای دینی، برخی از مردم معترض و

نواندیشان ترقی خواه در «تلگرافخانه» شیراز بود که به مدت چهل روز ادامه یافت (نیر شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). تقاضا و اصرار متحصنین، بر پایه کارشکنی قوام‌الملک برای حضور نمایندگان مجلس، برکناری حکومت قوام و پسرانش از شیراز و احضار آنها به تهران و همچنین برکناری صولت‌الدوله از ایلخانگری قشقایی در هیجانات شکل‌گیری مشروطیت رقم خورد. در برابر این انجمن‌ها و معترضین، خاندان قوام نیز انجمنی تأسیس کردند بنام انجمن «هیأت علمیه» که ریاست آن بر عهده برخی از روحانیون و علمای شیراز و عمدتاً طرفدار خاندان قوام‌الملک بودند و گاه «مسجد نو» را پایگاه خویش بر می‌شمردند (کتاب‌آبی، ۱۳۶۲: ۴۴). در چنین شرایطی و با برقراری نظام مشروطه، خاندان قوام در صدد مقابله همه‌جانبه با آن برآمدند. کسروی اذعان می‌کند که در شیراز میان محمدرضاخان قوام‌الملک و پسرانش با انجمن‌های اسلامی (ابالتی) و آزادی‌خواهان، کشاکش سختی در جریان بود. دامنه این اعتراضات به تهران نیز کشیده شد، چنانچه انجمن یا «اتحادیه فارس» که شیرازی‌ها در تهران تشکیل داده بودند به پشتیبانی از همشهریان خود در میدان بهارستان چادر زده و از نمایندگان مجلس دادخواهی می‌کردند (کسروی، ۱۳۵۷: ۲۸۱-۲۸۲). میرزانصراله شیرازی «ملک‌المتکلمین» طی سخنرانی آتشین، محمدرضاخان قوام‌الملک را «اول مستبد ایران» خواند که ستم و بیدادگری را بر مردم شیراز روا داشته و مانع پیشبرد اهداف مشروطیت می‌شود. زنان تهرانی هم با چادر به مجلس آمدند و در پشتیبانی از شیرازیان و اخراج قوام‌الملک به همراه اهالی فارس در تظاهراتی خشم‌آلود شرکت کردند (آدمیت، ۱۳۵۵: ۳۷۴). این هیجانات و کینه‌توزهای شخصی علیه خاندان قوام،

جنبش مشروطیت فارس را از آرمان‌های واقعی خود که همانا آزادی فردی، تأسیس عدالت‌خانه و نهادینه شدن قانون بود به دور نمود و تمام تلاش‌های مشروطه‌خواهان و انجمن‌های ایالتی صرفاً جهت تنازع و تقابل با خاندان قوام گردید.

در شیراز نیز اجتماع تلگرافخانه حال‌وهوای عجیبی داشت. هر دسته و جمعیتی چادر مخصوص خودش برپا کرده بودند و هزینه شام و نهار مشروطه‌خواهان، بر عهده دوازده تن تاجر مشروطه‌خواه پرداخت می‌گردید. در این بحبوحه انجمن اتحادیه فارس بار دیگر در تاریخ ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری/۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۶ خورشیدی به مجلس شورای ملی چنین نوشت: اگر عاجلانه نتیجه اقدامات مجلس در رفع تعدیات قوام‌الملک ظاهر و مشکوف نگردد احتمال می‌رود مجدداً هیجانی از انجمن به ظهور برسد. با توجه به این فشارها و اقدامات گسترده، مجلس شورای ملی، قوام‌الملک را از حکومت فارس عزل و برکنار نمود (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۲۷۲). قوام‌الملک در برابر درخواست‌های متعدد و فشارهای همه‌جانبه مشروطه‌خواهان و مجلس حاضر به کنار رفتن از قدرت نشد و همین امر باعث رویدادهای تازه در جنبش مشروطیت فارس گردید. انجمن انصار شیراز که فاقد نیروی نظامی و مسلح بود برای برابری با قوام-الملک که ریاست ایل خمسه را نیز بر عهده داشت از صولت‌الدوله (ایلخان قشقایی) یاری خواست که مردم شیراز را از قیدوبند خاندان قوام رهایی بخشید. در حالی که صولت‌الدوله مساعدت خویش را ابراز کرد، انجمن خطاب به سردار عشایر چنین نوشت «این خدمت که حاکی از غیرتمندی در حفظ حقوق قومیت است روحی

تازه در روان ملت مشروطه خواه دمید» (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۵۵). اما با انعقاد قراردادی مبنی بر جمع‌آوری مالیات فارس که در سال ۱۳۲۶ قمری/۱۲۸۷ خورشیدی بین قوامی‌ها و شاه قاجار صورت گرفت، قوامی‌ها توانستند قدرت خویش را در فارس گسترش دهند. در چنین شرایطی قوام‌الملک به عنوان نایب‌الحکومه فارس و به بهانه تأخیر در پرداخت مالیات ایل قشقایی، بار دیگر صولت‌الدوله را از ایلخانی برکنار و برادرش، احمدخان ضیغم‌الدوله را ایلخان قشقایی نمود (رنجبر، ۱۳۸۵: ۶). صولت‌الدوله پس از حضور در تلگرافخانه شیراز حکم ایلخانگری خود را نه از قوام‌الملک (نایب‌الحکومه فارس) بلکه از سران انجمن‌های ایالتی دریافت کرد که خود را جانشین مجلس شورای ملی در فارس می‌دانستند (ابرینگ، ۱۳۵۸: ۷۲). اما حکم ایلخانی‌گری ضیغم‌الدوله که بوسیله قوام‌الملک صادر گردید باعث جنگ شدیدی میان قشقایی‌ها در نزدیکی اردکان فارس و در محلی بنام «کودیان» گردید که نیروهای صولت‌الدوله توانست افراد ضیغم‌الدوله و بویراحمدهای طرفدار او را شکست و متواری دهند (Wilson, 1916: 23). در این نبرد برخی از قشقایی‌ها کشته شدند که همین امر باعث گردید پیکر آنها را با تشریفات ویژه‌ای وارد تلگرافخانه شیراز گردد و مدت زیادی هواخواهان مشروطه به سوگ آن بنشینند. در این هنگام ایلخان قشقایی از سوی مشروطه‌خواهان شیراز عنوان «سردار ملی» دریافت کرد. انعکاس این حادثه در تهران نیز بسیار گسترده بود تا جایی که برخی مشروطه‌خواهان کشته‌شدگان قشقایی را «شهادا و فدائیان راه مشروطیت» قلمداد کردند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵، سال اول، ۲۳ ربیع‌الثانی، ش ۳۳، ۳). در پی تداوم آشوب‌های فارس، مؤیدالدوله حاکم جدید

فارس که حامی قوامی ها بود مجبور به استعفاء گردید و با ورود نظام السلطنه مافی که از دیرباز و بطور سنتی با خاندان قوام الملک اختلاف و دشمنی دیرینه داشت، کفه ترازو به نفع مشروطه خواهان سنگین تر گردید:

«انا فتحنا لك فتحاً مبیناً، مؤیدالدوله از حکومت فارس معزول، حسین قلی خان نظام - السلطنه به حکومت فارس منصوب، محمدرضاخان قوام الملک و دو فرزندش به تهران اعزام شوند» (استخر، ۱۳۸۷: ۴۳).

این تلگراف که از سوی انجمن اتحادیه فارس از تهران به همشهریان خود در شیراز مخابره گردید نشان از پیروزی مشروطه خواهان و شکست خاندان قوام بود. نظام - السلطنه مافی از اصفهان به سران انجمن های ایالتی و مشروطه خواهان تلگرافی مخابره کرد و از آنها درخواست نمود که از تلگراف خانه خارج شوند و رؤسای مشروطه - خواهان نیز با افتخار و اعلام پیروزی مردم را متفرق کردند (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۲۵۸). در همین زمان صولت الدوله با حضور در «انجمن ایالتی» اذعان نمود در خدمت به مشروطیت از هیچ کوششی دریغ نخواهد ورزید (استخر، ۱۳۸۷: ۴۳). ائتلاف مشروطه - خواهان با صولت الدوله و خبر ورود نظام السلطنه که از دیر باز با قوامی ها دشمنی سرسختی داشت، باعث گردید که محمدرضاخان قوام الملک روحیه خود را از دست بدهد و چاره ی جز خروج از شیراز نداشته باشد (Wilson, 1916: 23). در یک جمع بندی کلی به نظر می رسد در شیراز جناح بندی دوگانه ای شکل گرفته است: در یک سوی طرفداران «مشروطه پارلمانی» و در سوی دیگر پیروان «مشروطه مشروعه» که هر دو یک هدف را در سر می پروراندند و آن هم بیرون راندن و به حاشیه کشاندن حریف از

میدان رقابت سیاسی و این در پرتو دشمنی و کینه‌توزی‌های دیرینه بود تا بتوانند در برابر یکدیگر عرض اندام کنند. چنانچه کسانی که با خاندان قوام دشمنی داشتند به اسم مشروطه‌خواهی، سعی در آسیب رساندن به رقیب را داشتند و این تنها به دلیل بود که احساس می‌کردند از سوی خاندان قوام‌الملک مورد ستم واقع گردیده‌اند. در میان خود اعضای انجمن‌های ایالتی (با اینکه در اجرای قوانین مشروطه از همه فعال‌تر بودند) نیز اغراض شخصی، حرف نخست را می‌زد، چندانکه هر که با دیگری دشمنی داشت متهم به طرفداری از خاندان قوام، استبداد و بدخواه ملت می‌گردید و همین امر باعث گوشه‌گیری برخی از افراد سرشناس از انجمن‌ها گردید. در مواجهه با ایلخان قشقایی نیز، صولت‌الدوله در ابتدا با دیده شک و تردید نسبت به جنبش مشروطیت و انجمن‌های ایالتی نگاه می‌کرد، دلیل آن به گمان ما این بود که صولت‌الدوله در مقام «ایلخان قشقایی» مخالف ایده‌ها و اندیشه‌های آزادی‌خواهی بوده زیرا هویت ایلخانی‌گری او با توجه به جامعه ارباب-رعیتی به زیر سوال می‌رفت. اما به دلیل رقابت و دشمنی با قوامی‌ها، ایلخان قشقایی در جبهه مشترک هواداران مشروطه قرار گرفت تا از جنبش مشروطه‌خواهی برای کاهش نفوذ و قدرت قوامی‌ها در شیراز و همچنین کاهش اقتدار حکومت مرکزی در دیگر نواحی فارس استفاده نماید. از اینرو به نظر می‌آید که توجه به آرمان‌های مشروطه‌خواهی و دیدگاه‌های سران انجمن‌های ایالتی برای ایلخان قشقایی اهمیت چندانی نداشته است.

۷. انجمن‌های ایالتی فارس و سید لاری

ورود ناخواسته قوام‌الملک به تهران مصادف بود با غوغای طرفداران محمدعلی‌شاه در مخالفت با سلطنت مشروعه پارلمانی و آشکار نمودن «مشروطه مشروعه». در این میان قوام‌الملک توانست در تهران با نزدیک شدن به مشروطه‌خواهان، عضویت در «انجمن اخوت» و حمایت محمدعلی‌شاه، زمینه بازگشت خود را به شیراز فراهم سازد. شایعه بازگشت قوامی‌ها، بار دیگر شورش و ناآرامی را در فارس گسترده نمود (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، سال اول، ش ۱۵۵: ۴). با دعوت یکی از انجمن‌های ایالتی (انجمن اسلامی) به رهبری معتمد دیوان کواری در تاریخ ۶ رمضان ۱۳۲۵ قمری/ ۲۰ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی سید عبدالحسین لاری روحانی متفقد بلوک لارستان برای اعلام پشتیبانی از مجلس ملی وارد شیراز گردید. غرض از این دعوت استفاده از نیروی مذهبی و طبقات فرودست جامعه جهت تحلیل قوای خاندان قوام و مبارزه علیه آنها بود. در همین زمان بسیاری از قشقای‌ها و مشروطه‌خواهان جهرم نیز به اردوی آنها پیوستند (ابرلینگ ۱۳۹۳: ۸۶). محمدحسین استخر یادآور شده که رهبران انجمن اسلامی برای برابری با نیروی استبداد (خاندان قوام) که در این زمان از قدرت بالایی برخوردار بودند از سید لاری دعوت کردند تا به شیراز بیاید این در حالی بود که «میرزا ابراهیم محلاتی» مجتهد بزرگ شیعه در شیراز دعوت مشروطه‌خواهان فارس را به هیچ روی قبول نکرد با اینکه تا آخر عمر در شیراز بود (استخر، ۱۳۸۷: ص ۴۳). سید لاری به هنگام اقامت نه ماهه خود در شیراز اقدام به تأسیس «انجمن انصار» نمود و با اندیشه «تشکیل حکومت اسلامی» سعی در اقتدار و دامنه نفوذ خود در میان اهالی شیراز بود. چندانکه در آینده نزدیک در لارستان نیز این اندیشه را به منصه

ظهور رسانید. هنوز به مدت یک هفته از ورود عبدالحسین لاری به شیراز نگذشته بود که تنش و درگیری در میان دو طیف مشروطه‌خواه و طرفداران قوام، منجر به تحصن و بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در «شاهچراغ» و طرفداران قوام در «تلگراف-خانه» و «مسجد نو» گردید. ابوالحسن خان بانکی نماینده قوامی‌ها در مجلس اعلام نمود که عبدالحسین لاری با دو هزار چریک به شیراز آمده و اغتشاش می‌کند و از تبعید پسران قوام انتقاد کرد (روزنامه مجلس، دوره اول، ۱۳۲۵: شماره ۵، ۳). بیم از حوادث آینده و نابسامانی اوضاع فارس که دیگر قادر به کنترل نبود و عدم ثبات سیاسی و درگیری مشروطه‌خواهان در پایتخت باعث گردید نظام‌السلطنه حاکم فارس پس از چندین ماه حکومت با اعلام استعفاء شیراز را به قصد تهران ترک نماید. بحران شیراز باعث گردید که مذاکرات بسیاری پیرامون بازگشت دوباره قوام‌الملک در مجلس شورای ملی شکل بگیرد. ابوالحسن خان بانکی بار دیگر از تبعید خاندان قوام انتقاد به عمل آورد. پنج روز پس از عزیمت نظام‌السلطنه، پسران قوام‌الملک به شیراز بازگشتند و به تحکیم مواضع خود با فراهم آوردن نیروهای ایل خمسه پرداختند. انجمن‌های ایالتی شیراز و سید لاری که خود را در موقعیت خطرناکی دیدند، طی نامه‌ی از صولت‌الدوله تقاضای کمک دوباره نمودند. نیروهای ایلیخان قشقایی مرکب از چندین هزار جنگجویان ایلیاتی وارد شیراز شدند. از سوی دیگر طرفداران قوام‌الملک با بسیج گسترده ایل خمسه بر مواضع خود پافشاری نمودند و مهیای برابری با مشروطه-خواهان و قشقایی‌ها گردیدند. گزارش‌های کنسول انگلیس نشان می‌دهد که تلگرافخانه بدست نیروهای مشروطه خواه افتاده است. اما حادثه بزرگی دیگری رُخ

نداد و نیروهای قشقایی در پی کوچ فصلی، از شیراز خارج گردیدند و اوضاع شیراز تا حدودی به سمت آرامش پیش رفت (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۲۷). به باور ما دیدگاه سید لاری در رابطه با مشروطه خواهی بسیار متفاوت بود. در حالی که مشروطه خواهان و سران انجمن های ایالتی بر پایه مفاهیم دنیای مدرن چون «قانون» و «آزادی فردی» به مقابله علیه استبداد قاجاری برخاسته بودند او با «توجه احکام دینی»، سعی در آشکار نمودن استبداد سلطنت قاجار، خاندان قوام و مبارزه با ادیان دیگر پرداخت و بدین طریق توانست در میان طبقات فرودست ایالت فارس، پایگاه مذهبی مهمی بدست آورد. نامه هایی که از سوی این انجمن به دیگر نواحی فارس با عنوان «سردار مختار ملت» و «عبده عبدالحسین لاری» امضاء گردیده، نشان از جاه طلبی و اعاده سلطنت این روحانی برای تشکیل حکومت اسلامی در آن زمان بوده اما این روند چندان به مذاق مشروطه خواهان سازگار نیامد و همین امر باعث اختلاف میان سران انجمن های ایالتی و در نتیجه بازگشت سیدلاری به بلوک لارستان گردید.

۸. قتل محمدرضاخان قوام الملک بدست مشروطه خواهان

با استعفای نظام السلطنه از حکومت فارس وضعیت شیراز در این زمان چنان نابسامان و بحرانی بود که هیچ یک از رجال پایتخت حاضر نبودند برای حکمرانی فارس، روانه شیراز شوند. محمدرضا قوام الملک که به شکل تبعید در تهران بسر می برد با استفاده از قرارداد متارکه جنگ به شیراز بازگشت. قوام در مراسم بازگشت خود در «تنگ الله اکبر» شیراز، سخن از «دولت و شاه» و «مشروطه مشروع» نمود که با دیدگاه سران مشروطه و برخی از مردم سازگار نبود. دلیل ناسازگاری دیدگاه مخالفین

این بود که به خاندان قوام‌الملک به دیده دستگاه استبداد می‌نگریستند و ماهیتی جز خودکامگی در باطن آنها نمی‌پنداشتند (حکمت، ۱۳۸۴: ۱۰۴). در نتیجه واکنش مشروطه‌خواهان (با دستور سران انجمن اسلامی و سیدلاری)، ترور قوام‌الملک بوسیله «نعمت‌اله بروجردی» از اعضای وابسته به انجمن اسلامی شیراز بود که این فرد در آن برهه کالسکه‌چی و مستخدم خاندان قوام گردیده بود (شریف کاشانی، ۱۳۲۶: ۱۷۵-۱۷۴). کسروی اذعان می‌کند که انگیزه معتمد دیوان (رئیس انجمن اسلامی) از ترور قوام‌الملک به پیروی از عباس‌آقا کشنده اتابک (صدر اعظم) بوده که بدین کار برخواسته، اما در اینجا بیشتر کینه‌توزی فردی در میان بوده تا ابعاد سیاسی (کسروی، ۲۵۳۷: ۵۶۵). از سوی دیگر در مجلس شورای ملی نیز چنان بی-اعتمادی و تلاش برای منافع شخصی موج می‌زد، که «مارلینگ» سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه «ادوارد گری» اذعان می‌کند «هنوز ایران شایسته حکومت شوروی و مشروطه نبوده و تا دو عصر دیگر هم نخواهد بود» (کتاب‌آبی، ۱۳۶۲: ۱۷۵). از دید ما ترور محمدرضاخان قوام‌الملک در چهارم صفر ۱۳۲۶ ق/هفدهم اسفندماه ۱۲۸۶ خورشیدی هر چند که در ابتدا یک پیروزی بزرگ برای انجمن‌های ایالتی و مشروطه‌خوان به شمار می‌رفت زیرا آنها توانسته بودند به راحتی مهمترین عامل تاثیرگذار در عدم پیشرفت مشروطه فارس را از میان بردارند، اما گذر زمان نشان داد که با خونخواهی پسران قوام، اوضاع فارس بار دیگر به سوی ناآرامی و ناامنی پیش رفت و چهره مشروطیت فارس متهم به قتل و خشونت گردید. این ترور

در اصل یک شکست فاحش و ضعف بزرگ برای انجمن‌های ایالتی بود که خود داعیه عدالت و قانون‌مندی را داشتند.

۹. انجمن‌های ایالتی و فرمانفرمای فارس (ظِل السلطان)

با مرگ قوام شیرازی، حکومت مرکزی شاهزاده مسعود میرزا (ظِل السلطان) عموی محمدعلی شاه و پسر بزرگ ناصرالدین‌شاه را به حکومت فارس منصوب گردانید. دلیل این اتفاق در پی حوادث تهران و دور نمودن شاهزاده از پایتخت بود. با ورود نظامی ظل السلطان به شیراز که از هواداران مشروطه بود بار دیگر آرامش تا حدودی به فارس بازگشت (روزنامه اخوت شیراز، ۱۳۲۶، سال اول، شماره ۱، سال: ۵). شاهزاده ظل السلطان که به مستبدی معروف بود پس از استقرار در ارگ سلطنتی شیراز در جبهه تمام عیار مشروطه‌خواهی قرار گرفت و برای کاهش احساسات ضد خاندان قوام، پسران او را به اروپا تبعید نمود و ریاست ایل خمسه از آنها سلب گردانید و به پسر خود اکبر میرزا (صارم‌الدوله) واگذار کرد و پیشکاری آنها به معتمد دیوان از سران مشروطه واگذار نمود (Wilson, 1916: 22). از دیگر اقدامات ظل السلطان تشکیل «انجمن ایالتی» در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۶ ق/اردی‌بهشت ۱۲۸۷ خورشیدی در شیراز بود که به درخواست انجمن‌ها و اعضای فعال مشروطه‌خواه صورت گرفت. با تشکیل انجمن ایالتی نخستین «عدالتخانه مشروطیت» در شیراز شکل گرفت که اعضای آن تماماً از سران انجمن‌های ایالتی همچون انجمن اسلامی، انصار، اخوت، تعصب، محمدی و تجارت بود. این تدابیر باعث آرامش در فارس، کاهش قدرت قوامی‌ها و در نتیجه افزایش قدرت مشروطه‌خواهان شیراز و همچنین سلطه گسترده صولت‌الدوله بر

طوایف قشقایی گردید (ابرلینگ، ۱۳۹۳: ۸۹). در حالی که شرایط ایالت فارس در پی اقدامات ظل السلطان رو به آرامش می‌رفت در پایتخت اوضاع نابسامان گردید. جدال تازه مشروطه خواهان با محمدعلی شاه آغاز گشته و بیم حوادث ناگوار به شدت افزایش یافته بود. محمدعلی شاه در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶/۲ تیر ۱۲۸۷ خورشیدی مجلس را به توپ بست. در اثر این تهاجم برخی از مشروطه خواهان کشته شدند و قوای قزاق وارد مجلس گردید و دست به تخریب و غارت آن زد (کسروی، ۲۵۳۷: ۶۶۲). بیش از سیصد تن از مشروطه خواهان کشته و پانصد تن زخمی شدند. محمدعلی شاه در تلگرافی به ظل السلطان چنین والی فارس چنین گفت «عموجان قصری که در آن سودای سلطنت می‌پختی و لانه آشوبگران و دزدان شده بود با خاک یکسان گردید (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۴: ۹۵) با کودتای محمدعلی شاه بر علیه مجلس این قوامی‌ها بودند که با بسیج نیروهای ایل خمسه توانستند به بازیابی قدرت از دست رفته خود در فارس پرداخته و با همکاری طوایف خمسه برخی از سران انجمن ایالتی همچون معتمد دیوان کواری که به دستور ظل السلطان- در رویای فتح تهران- بود را در میانه راه به قتل برسانند (استخر، ۱۳۸۷: ۷۶). با عزل شاهزاده ظل السلطان، به فرمان محمدعلی شاه، غلام رضاخان «آصف الدوله» که رابطه بسیار نزدیکی با خاندان قوام- الملک داشت به حکومت فارس منصوب گردید. در این میان حبیب‌الله خان (قوام- الملک چهارم) و برادرش نصرالدوله، در پی سیاست بی طرفانه ایلخان قشقایی به شیراز بازگشتند و از سوی آصف الدوله حاکم جدید فارس مأمور برخورد با مشروطه خواهان و سید عبدالحسین لاری که ادعای حکومت اسلامی در لارستان را

داشت، گردیدند(ابرلینگ، ۱۳۹۳: ۹۹). به باور ما در اینجا نیز تمایل رهبران انجمن‌های ایالتی و مشروطه‌خوان به سمت ظل‌السلطان نیز با ناکامی و عدم موفقیت سیاسی روبرو گردید. زیرا فرمانفرمای فارس در سودای پادشاهی و دست یافتن بر تخت سلطنت قاجار بود تا پیشبرد اهداف مشروطیت و اگر به رسمی نمودن انجمن‌های ایالتی و تاسیس عدالتخانه در شیراز پرداخت، صرفاً یک بازی سیاسی را به نمایش گذاشت تا خود را به ظاهر در جبهه مشروطه خواهی و مبارزه با استبداد محمدعلی-شاهی قرار دهد. از اینرو انجمن‌های ایالتی فارس در یک بازی دو سر باخت مشارکت نموده بودند که پایان این بازی نتیجه خوشایندی برای آنها در پی نداشت، چندان که با کودتای محمدعلی شاه و شکست ظل‌السلطان، خاندان قوام با قدرت تمام به فارس بازگشتند و به سرکوب و دستگیری مشروطه‌خواهان پرداختند و این در حالی بود که ایلخان قشقایی به دلیل شک و تردید نسبت به مشروطه‌خواهان، سیاست دوراندیشی را در پیش گرفت و چندان مایل نبوده تا بار دیگر با حکومت مرکزی و استبداد محمدعلی‌شاهی به خاطر انجمن‌های ایالتی و مشروطه‌خواهان در آویزد، تا جایی که حاضر به پرداخت مالیات گردید و واکنشی نسبت به بازگشت پسران قوام-الملک به شیراز(که از دشمنان و رقبای دیرینه‌اش بودند)، نشان نداد.

۱۰. نتیجه‌گیری

سرزمین فارس به عنوان یکی از ایالت‌های مهم و چهارگانه دوره قاجار از پیشگامان مشروطه‌خواهی در ایران محسوب می‌شود چنانچه پس از تهران دومین ایالتی بود که قیام عمومی بر علیه استبداد داخلی را آغاز نمود و مشروطه‌خواهان آن با تشکیل انجمن‌های ایالتی همسو با دیگر مشروطه‌خواهان موانع گسترده‌ای در برابر طرفداران

نظام سلطنت قاجاری ایجاد نمودند. اما در یک نتیجه‌گیری نقش انجمن‌های ایالتی فارس در پیشبرد اهداف مشروطیت چندان با موفقیت همراه نبود هر چند که آنها توانستند با فرستادن نمایندگان به مجلس شورای ملی و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب، مشارکت اجتماعی جامعه شهری را توسعه ببخشند. اما عدم استفاده مناسب از مشارکت مردمی و گرایش‌های متفاوت و خودسرانه انجمن‌های ایالتی فارس به نیروهای نظامی (ایلخان قشقایی)، مذهبی (سیدلاری) و سیاسی (ظَلِ السلطان) و همچنین ایجاد ترور و وحشت که با قتل قوام‌المک همراه گردید از جمله عوامل عدم موفقیت این انجمن‌ها در توسعه آرمان‌های مشروطه‌خواهی فارس بود که هر یک رویه خاص خود را دنبال می‌کردند. دعوت از ایلخان قشقایی که هنوز در سودایِ جامعه ارباب-رعیتی بسر می‌برد قطعاً نمی‌توانست اهداف مشروطه‌خواهی همچون «قانون»، «آزادی» و «برابری» را برای توده‌های مردم به ارمغان آورد. از سوی دیگر هدف صولت‌الدوله، در همیاری جنبش مشروطه‌خواهی، کاهش نفوذ قوامی‌ها در شیراز و کاستن اقتدار حکومت مرکزی در دیگر نواحی فارس بود که بی‌شک شرایط مناسبی را برای تاخت‌وتازهای ایلی او فراهم می‌آورد. برخی از روسای انجمن‌های ایالتی با دعوت از نیروی مذهبی سیدلاری، سعی در مقابله با خاندان قوام و استبداد قاجاری برآمدند. به باور ایشان، طبقات فرودست و مذهبی جامعه با رهبری یک روحانی منتفذ می‌توانست نیروی موثری بوجود آورد تا طومار استبداد قاجاری را درهم پیچد. اما این مشارکت که با خشونت و ترور قوام‌المک همراه گردید نه تنها کمک موثری به آرمان‌های مشروطه ننمود بلکه دیدگاه عمومی نسبت به انجمن‌های ایالتی و سران مشروطه را دچار سوءظن و بدگمانی نمود. افزون بر این دیدگاه سیدلاری که داعیه سلطنت با احکام اسلامی را در سر می‌پروراند با دیدگاه مشروطه‌خواهان که خواهان قوانین مشروطه و آزادی فردی بودند در یک راستا قرار نداشت. رویه دیگری که برخی از انجمن‌های ایالتی برای پیشبرد اهدافشان به آن روی آوردند همگامی با فرمانفرمای فارس «ظَلِ السلطان» بود که این شاهزاده اندیشه پادشاهی قاجار را در سر می‌پروراند. انسجام انجمن‌های ایالتی و همگامی ظاهری ظل‌السلطان با برخی از سران انجمن‌های ایالتی که در انتها منجر به شکست و کشته شدن برخی از مشروطه‌خواهان فارس گردید نه تنها کمکی به اهداف مشروطه‌خواهی نکرد، بلکه صرفاً یک بازی سیاسی میان شاهزادگان قاجاری برای رسیدن به پادشاهی بود که با کودتای

محمدعلی شاهی و قدرت یاقتن خاندان قوام، روند انحطاط مشروطه‌خواهی در شیراز را رقم زد. از دیدگاه آزادی فردی نیز توده‌های مردم فارس در آن برهه چندان با مفاهیم مشروطه آشنا نبودند، مردمی که سال‌ها تابع اربابان و خوانین خویش بودند به سختی می‌توانستند آداب و رسوم سنتی را کنار گذاشته و از قوانین ایلی و رعیتی خویش سرپیچی کند، به همین خاطر انجمن‌های ایالتی فارس تنها توانستند به جمع‌آوری و مشارکت بخشی از طبقات شهرنشین فارس علیه استبداد قاجاری بپردازند. با توجه به چنین مولفه‌هایی، آرمان‌های مشروطیت در ایالت فارس، هرگز نتوانست همچون تهران و آذربایجان به بلوغ سیاسی دست یابد.

منابع و مأخذ فارسی

۱. آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، پیام.
۲. آوری، پیترو (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه*، ترجمه محمدرفعی مهرآبادی، تهران، عطایی.
۳. ابرلینگ، پیر (۱۳۹۳). *کوچ نشینان قشقایی فارس*، ترجمه فرهاد طیبی پور، تهران، پردیس.
۴. استخر، محمدحسین (۱۳۸۷). *خاطرات پیر روشن ضمیر*، به کوشش مسعود شفیعی سروستانی، شیراز، آوند اندیشه.
۵. ایوانف، میخایل سرگی یویچ (۱۳۹۶). *عشایر جنوب (عشایر فارس)*، ترجمه کیوان پهلون - معصومه داد، تهران، آرون.
۶. بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *شرح رجال ایران*، دوره ۶ جلدی، تهران، زاور.
۷. حکمت، علی اصغر، ۱۳۸۴: ره آغاز حکمت، به اهتمام سید محمد دبیر سیاقی، تهران: خجست
۸. سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۱). *وقایع الاتفاقیه*، تهران: نشر نو.
۹. شریفی کاشانی، محمد (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ
۱۰. شفیعی سروستانی، مسعود (۱۳۸۳). *فارس در انقلاب مشروطیت*، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
۱۱. رنجبر، محمد علی (۱۳۸۵). «جنبش مشروطه خواهی فارس»، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۳-۲۰.
۱۲. *روزنامه حبل المتین*، کلکته (۱۳۲۷ قمری). شماره ۹. ۵.
۱۳. *روزنامه مظفری* (۱۳۲۴ قمری). شماره ۱. ۳.
۱۴. *روزنامه مجلس* (۱۳۲۵ قمری). شماره ۱۵۵. ۴.
۱۵. *روزنامه ندای اسلام* (۱۳۲۴ قمری). شماره ۱ تا ۷.
۱۶. فروتن، عبدالرسول. مودنی علی محمد (۱۳۹۶). «نقش شاعران فارس در جنبش مشروطیت»، *فصلنامه سبک شناسی نظم و نثر پارسی*، سال دهم، شماره یکم، شماره پیاپی ۳۵، صص ۲۰۲-۱۸۵.
۱۷. قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۹). *نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت*، مرکز تحقیقات تاریخی.
۱۸. *کتاب آبی* (۱۳۶۲). گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس ۸ج، به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، تهران، نشر نو.

۱۹. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۱). تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ.
۲۰. کسروی احمد (۲۵۳۷). تاریخ هیجده ساله ایران: بازمانده تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۱. محیط مافی، هاشم (۱۳۶۲). مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان-فدا، تهران، فردوسی.
۲۲. نظام السلطنه مافی (۱۳۶۲)، خاطرات حسین قلی نظام السلطنه مافی. به کوشش منصوره اتحادیه و معصومه مافی، تهران: نشر تاریخ.
۲۳. نیرشیرازی، عبدالرسول (۱۳۸۳). تحفه نیر، به تصحیح یوسف نیری، شیراز: بنیاد فارس-شناسی.
۲۴. وثوقی، باقر (۱۳۸۲). «فارس و جنبش مشروطه خواهی» مجله گروه تاریخ تهران، سال-چهارم، پیاپی چهارم، صص ۲۰۶-۱۷۶.
۲۵. هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). روضه الصفا ناصری، ج ۹، تهران: حکمت.

منابع لاتین

1. Chick, H.G (1916), "Past History of Qashqāis and their khāns", in Sir Arnold Talbot Wilson's Report in Fars, Simla. pp 32-38
2. Davis, E.CH (1987) "Qajar rule in Fars prior to 1874", Iran: Vol.25. pp 125-153
4. Floor, W.M (1971) "The office of kalantar in Qajar Persia", The journal of economic and social history of the orient, vol. 14. no. 3. pp 254-263
5. Sheil, J (1971), Glimpses of Life and Manners in Persia. London.
6. Wilson, sir (1916), Arnold Talbot Loyalties, Report on Fars. Simla.